



پنجشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲
وطن‌امروز | شماره ۴۲۳۸

ورزشی

نکته

استقلال؛ در خم کوبه پن‌بست موسی‌مانه حسرت ۴۴ روزه



آخرین لیخند پیروزی استقلال به ۴۴ روز پیش برمی‌گردد؛ همان روز که در اهواز فولاد را شکست دادند اما آن خاطره خوش، زیر سایه تساوی‌های پی‌درپی رنگ باخت، شبی که شمس‌آذر، تیم پانزدهم جدول، با یک گل استقلال را در خانه زمینگیر کرد، آبی‌ها فقط به آمارهای تلخ افزودند. از ۱۸ امتیاز تکان نخوردند و فاصله‌شان با منطقه سقوط تنها ۳ امتیاز باقی ماند. حالا نیمکت موسی‌مانه، همان نیمکت که زمانی با امید و انتظار روی آن نشست، لرزان‌تر از همیشه است.

■ **نه پیروزی، نه امید؛ موسی‌مانه در سایه انتقاد**

پینتسو موسی‌مانه، سرمربی کاربلدی که برای نجات استقلال به میدان آمد، تاکنون از ۲۷ امتیاز ممکن تنها ۱۰ امتیاز کسب کرده‌است. ۹ بازی، ۲ پیروزی، ۴ تساوی و ۳ شکست، نتایجی که حتی وفادارترین هواداران را هم در بهت فرو برده‌است. استقلال، در دیداری که باید حداقل امیدی به خود تریق می‌کرد، مقابل شمس‌آذری که با سرمربی جدیدش به میدان آمده بود، شکست خورد. این شکست چیزی جز بغضی فروخورده برای هوادارانی که تنها نظاره‌گر سقوط تیم‌شان هستند، نداشت.

■ **خانه بی‌روح، شکست‌های بی‌پایان**

استقلال در خانهاش دیگر قهرمان نیست. ۳ دیدار خانگی پیاپی بدون برد، کار را به جایی رسانده که رتبه چهاردهم جدول میزبان‌ها، سهم این تیم شده‌است. از مس رفتن‌سختن یک - بگذریم، گل گهر، سپاهان و حالا شمس‌آذر، همگی امتیازات را از تهران ربوده‌اند. امروز آزادی، آن قلعه جادویی که حرف‌بان را می‌ترساند، برای آبی‌ها حکم یک زندان بی‌در و پیکر را یافته‌است.

■ **بازی‌های بی‌مرق، گل‌های ناباب**

تماشای استقلال موسی‌مانه، چیزی جز خمیازه‌های پیاپی نصیب تماشاگران نمی‌کند. در ۵ بازی اخیر، تنها ۵ گل میان استقلال و رقیب‌ار دویدل شده‌است. ۲ بازی بدون گل، ۲ تساوی یک - یک و حالا این شکست تلخ یک بر صفر. استقلال، نه زیا بازی می‌کند، نه نتیجه می‌گیرد. انگار بازی‌های این تیم فقط انعکاس وضعیت کلی آن است؛ خسته، فرسوده و گم‌شده در راه.

■ **پایان کجاست؟**

استقلال، تیمی که باید مدعی قهرمانی باشد، حالا به تیمی بدل شده که برای بقا می‌جنگد. موسی‌مانه که آمده بود تا رویاها را زنده کند، خود در کابوس نتیجه نگرفتن گرفتار شده‌است. آبی‌ها شاید هنوز فرصت داشته باشند اما بدون تغییر، این بی‌بست تنها به یک سقوط تدریجی ختم خواهد شد.

نگاه

برنده و بازنده آتش‌بس غزه

ادامه از صفحه اول

بعدها اهداف دیگری هم اضافه شد، مثلاً:

۱- شمال غزه باید خالی از سکنه و تبدیل به منطقه حائل بین غزه و سرزمین‌های اشغالی شود.

۲- اسرائیل تاکید کرد بعد از جنگ هم از محور نتساریم که غزه را به ۲ بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند، خارج نخواهد شد.

۳-نظامیان صهیونیست برای همیشه در محور فیلالدفی در جنوب غزه (رفح) می‌مانند، چون آنجا تنفس‌گاه مقاومت فلسطین است.

۴ هدف اول که مشخصاً محقق نشد و در نهایت اسرائیل مجبور شد با حماسی مذاکره کند (و به آن امتیاز بدهد) که خواهان نابودی‌اش بود.
۳ هدف بعدی هم در فرآیند اجرای توافق باطل خواهد شد.

در طرف مقابل، مقاومت اسلامی ۷ اکتبر بزرگ‌ترین ضربات امنیتی و نظامی تاریخ جعلی رژیم صهیونیستی را به آن وارد کرد و اسرائیل در گیر بزرگ‌ترین بحران سیاسی و امنیتی شد.

در توافق پیش رو نیز بسیاری از اسرای فلسطینی که آزادیشان یکی از اهداف حماس بود، آزاد می‌شوند. موضوع فلسطین که به دلیل خیانت اعراب (توافقات سلازش) می‌رفت در تاریخ پایگانی شود، دوباره به صدر

مطالبات جهان اسلام (و حتی فراتر از آن) برگشت و هزینه سازش لااقل برای کشورهای عرب بالا رفت.

از طرف دیگر، گروه‌های فلسطینی و در راس آنها حماس، از ابتدا در هر مذاکراتی برای آتش‌بس و تبادل اسرا، به دنبال چند هدف بودند؛ از جمله توقف کامل جنگ عقب‌نشینی کامل نیروهای اشغالگر صهیونیست از نوار غزه، باز کردن گذر گاه‌ها جهت ورود کمک‌ها به غزه، تضمین عدم بازگشت رژیم صهیونیستی به جنگ، بازسازی نوار غزه و رسیدن به یک توافق روشن و بدون ابهام برای تبادل اسرا.

البته با از دست دادن رهبران و فرماندهان بزرگ، خسارات زیادی به جبهه مقاومت وارد شد که هر چند در تاریخ بی‌سابقه نیست ولی تجمع این همه خسارت در یک بازه زمانی محدود بی سابقه بود.
قتل عام ۵۰ هزار انسان مظلوم که عمدتاً زن و کودک بودند، از هر چیز دیگر دردناک‌تر است اما هیچ منطقی کشتار مردم بی‌دفاع را نشانه پیروزی محسوب نمی‌کند.
در نهایت، با اجرای توافق، بازی در اسرائیل تازه بعد از آتش‌بس شروع می‌شود. اسرای اسرائیلی آزاد می‌شوند اما خود اسرائیل همچنان گروه‌گان حماس خواهد بود.
هر چند باید این نکته مهم را نیز مدنظر داشت که رژیم هیچ ارزش و احترامی برای توافقات بین‌المللی قائل نیست و دولت نتایج‌ها نیز اکنون زیر فشارهای زیادی قیامت دارد و هیچ بعید نیست بعد از اجرای توافق یا حتی در حین آن، زیر میز بزند و همه آنچه را بر سر آن توافق شده است، ملغی کند.

یارید بهراد: قصه پرسپولیس در این فصل بیش از هر زمانی یادآور کاروانی است که با نقض‌های ناقص و قطب‌نمایی زنگ‌زده، در کویری بی‌انتهای گمراه افتاده باشد. تیمی که تا همین چند هفته پیش مدعی پر و پا قرص قهرمانی بود، حالا در دالانی تاریک از ابهام و بی‌ثباتی سرگردان است.

پرسپولیس پس از ۲ پیروزی ابتدایی مقابل خیبر و هوادار، حالا به کابوس سپاهان و ذوب‌آهن گرفتار شده‌است. شکست در سوسرجام برابر سپاهان و تساوی در مقابل ذوب‌آهن باعث شد نه‌تنها امیدهای هواداران رنگ بیازد، بلکه سؤال‌های زیادی هم درباره وضعیت کادر فنی و مدیریت این تیم مطرح شود. پرسپولیس یک فرصت طلایی برای بازگشت به مسیر داشت. ذوب‌آهن ۱۰ نفره بود اما قرمزها در ۶۰ دقیقه باقیمانده نه‌تنها از این مزیت استفاده نکردند، بلکه در برخی دقایق حتی عقب‌تر از حریف نشان دادند.

تیم کریم باقری که بعد از جدایی گاریدو به سیستم ۲-۴-۴ سنتی برگشته بود، از همان ابتدا در گیر اشتباهات تاکتیکی شد. تغییراتی که باقری در ترکیب ایجاد کرد، بیشتر به آزمون و خطا شباهت داشت. حضور علی علیپور در نوک حمله و بازی‌سازی

سروش رفیعی در پشت او، تنها نیروی کاغذ‌جذاب به نظر می‌رسید، چرا که در عمل، این تر کیب حتی نتوانست یک موقعیت جدی و پایدار خلق کند. ضربه فرشاد احمدزاده به تیرک دروازه، شاید تنها جرقه امیدی بود که خیلی زود در تاریکی فرو رفت.

اما ماجرا به همین جا ختم نشد. ذوب‌آهن، ۱۰ نفره و بی‌ادعا،

در دقایق پایانی تیم برتر میدان بود و اگر کمی خوش‌شانس‌تر بود با اشتباهات داوری به نفع پرسپولیس تمام نمی‌شد، حتی شکست دادن قرمزها هم دور از ذهن نبود. عملکرد بازیکنان پرسپولیس در این دیدار هم مهر تأییدی بر ضعف کلی تیم بود. خریدهای اول فصل همچنان در حد و اندازه نام این تیم ظاهر نمی‌شوند. بویزه ایوب العملود که در این بازی یکی از بدترین نمایش‌هایش را ارائه داد. نه در خط دفاع کار آمد بود و نه در فاز هجومی توانست اثر گذار ظاهر شود. این در حالی است که او در

بازی‌های ابتدایی فصل هواداران را امیدوار کرده بود.

می‌لاد محمدی هم مانند العملود، این روزها از اوج خود فاصله گرفته‌است. مدافعانی که قرار بود سد محکمی در برابر

حریفان باشند، حالاخودشان به پاشنه آشیل تبدیل شده‌اند.

حتی امید عالیشاه که به عنوان ناجی خط میانی به زمین آمد،

تا مشکل اصلی برطرف نشود این سیستم ویدئویی نیز نخواهد توانست کمک قابل توجهی به داوری فوتبال ما کند.

اشکال اساسی اما در سطح سواد و آگاهی و میزان توانایی تشخیص و اعمال قانون توسط داوران است؛ مشکلی ریشه‌ای که به عدم با وجود «وار» ربطی ندارد و بیشتر ناشی از مشکلات پایهای داوران فوتبال ما است. بدون تعارف باید اعتراف کرد سطح سواد و فهم درست قوانین و اعمال آن، نزد جامعه داوری ما مطلوب نیست و برآیند آن نیز همین اشتباهات فاحش داوران به رغم وجود سیستم کمک داور ویدئویی است. وقتی مسؤول عالی‌رتبه داوری کشور از بین توانمندترین و لایق‌ترین‌های این

نتوانست به این آشفتگی پایان دهد. پاس‌ها و همکاری‌های او با فرشاد احمدزاده هم به جایی نرسید. تغییر سیستم در دقایق پایانی و ورود گنورگی گولسیانی به خط حمله هم بیشتر به تقایل آخرین لحظات غریقی می‌مانست که برای نجات، هر شاخه‌ای را می‌چسبد.

این تزلزل تنها در داخل زمین نیست. از همان روزی که گاریدو تیم را ترک کرد، مشخص بود پرسپولیس با بحرانی جدی روبه‌رو است. مدیریت باشگاه، برخلاف ادعاهای برطمطراق، هنوز نتوانسته یک سرمربی بزرگ و کاربلد را به تیم اضافه کند. کریم باقری، اسطوره‌ای که هواداران پرسپولیس او را می‌پرستند، بارها اعلام کرده علاقه‌ای به سرمربیگری ندارد. با این حال، او به اجبار در این جایگاه قرار گرفته و حالا تحت فشار شدید هواداران و رسانه‌هاست.

هواداران، مدیریت باشگاه را مقصر اصلی این شرایط می‌دانند.

رضا درویش، مدیرعامل باشگاه، پس از هر ناکامی مورد حمله شدید هواداران قرار می‌گیرد. آنها معتقدند عدم توانایی باشگاه در جذب یک سرمربی بزرگ، دلیل اصلی افت تیم است. این در حالی است که زمان طلایی پرسپولیس در یک ماه گذشته

با «وار» هم مشکلات داوری پابرجاست

اشکال جای دیگری است

عرصه انتخاب نشودو تابعی از بده‌بستان‌های کاندیدهای این پست با اعضای مجمع عمومی فدراسیون فوتبال باشد و انتخاب داوران نیز بیرو همان ماجرا باشد، نزول کیفیت فنی داوری نیز امری ناگزیر است. در فصل جاری چندین بار شاهد بودیم که داوران با استفاده از «وار» نیز تشخیص و تصمیم نادرستی داشته‌اند و این خود موید وجود همان اشکال مذکور است.
مدامی که انتخاب رئیس و اعضای کمیته داوران از بین بسوادترین و مجرب‌ترین افراد جامعه داوری نباشد (البته فاکتور سلامت نفس و صلاحیت کاری، مقدم و بدیهی است، لیکن بحث از وجه فنی آن است) و استفاده از داوران نیز بر اساس شایستگی،

لب مطلب؛ استقلال بد بود و شمس‌آذر سزاوار این پیروزی

خط‌ناک‌تر از فرصت‌های بیشتر آبی‌پوشان بود؛ آنها ۲ بار در ۶ قدم استقلال، فرصت‌شان را هدر دادند، یک بار تیر دروازه استقلال و ۲ بار هم واکنش حسینی سد راه‌شان شد و جالب اینکه همه اینها در نیمه دوم رخ داد! استقلال نیز در دقایق ۲۹ و ۳۱ روی ضربات ایستگاهی امیرعلی صادقی، دقیقه ۵۴ با شوت رضاوند و دقیقه ۶۶ با سر مرادمند، دروازه میهمان را تهدید جدی کرد که هر بار محسن فروزان، سنگربان تازه به لیگ برگشته شمس‌آذر، با مهار خود میزبان را ناکام گذاشت. موسی‌مانه که در این بازی نسبت به بازی‌های قبلی با کمبود نفرات بیشتری مواجه بود، اصرار بر جبهی تیز بر حضور ۹۰ دقیقه‌ای سعود جمعه بی اثر داشت، بازیکنی که در کنترل توپ و پاس دادن درست و به موقع نیز مشکل دارد! او در نیمه اول و در حالی که با یک پاس می‌توانست تیمش را صاحب موقعیت خوبی کند، با پاسی اشتباه مانع از این مهم شد.

۱- بدانیم با گروه دوم که انجمن حجتیه تنها یکی از نمونه‌های آن است، باید انقلاب اسلامی راهبرد گفت‌وگو را در پیش بگیرد. این گروه حامل بسیاری از تجربه‌ها و فناوری‌های ریز و جزئی زندگی فرهنگی شیعه و به آنها نیز دلبسته است. ما باید هم این دانش‌های خرد را از ایشان دریافت کنیم و هم اینکه به آنها نقش بدهیم تا در حوزه مورد علاقه و تجربه‌شان کار کنند. من این گروه را شیعیان سنتنی می‌نامم. این دست از شیعیان در دهه اول انقلاب مورد بی‌مهری شدید انقلابی‌های چپ (که بعداً خودشان از انقلاب اسلامی چپ کردند) بودند. در دهه‌های بعد نظام راهبرد خود را در قیال این گروه تغییر داد ولی دوستان انقلابی متوجه این تغییر مسیر نشدند. شیعیان سنتی به گفت‌وگو بسیار محتاجند و در مسیر گفت‌وگوی همدلانه و اخلاقی و مواسات در مشکلات



تعطل مدیریت پرسپولیس در انتخاب سرمربی، این تیم را وارد بحران کرد

خودزنی به بهای جام

هدر رفته و حالا این تیم باید با برنامهای جهنمی در ادامه مسیر روبه‌رو شود. بازی با تیم‌هایی مثل تراکتور، سپاهان، استقلال و البته غول‌های آسیا مانند الهلال و النصر، مثل کلبوسی بالای سر این تیم سایه افکنده است.

پرسپولیس، در هفته‌های ابتدایی لیگ یکی از مدعیان اصلی قهرمانی بود، حالا با ۵ امتیاز فاصله نسبت به صدر جدول، در حال از دست دادن موقعیت خود است. کادر فنی و مدیریت باشگاه باید پاسخگوی این وضعیت باشند. کریم باقری نیز که بارها تأکید کرده نمی‌خواهد سرمربیگری کند، به نظر می‌رسد هر لحظه آماده‌است که از این وظیفه کنار بکشد.

حالا این سؤال مطرح می‌شود: آیا پرسپولیس می‌تواند از این گرداب نجات پیدا کند؟ آیا مدیریت باشگاه بالاخره دست به اقدامی اساسی خواهد زد؟ پاسخ به این سؤال‌ها در هفته‌های پیش رو مشخص خواهد شد. اما اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، نه‌تنها امید قهرمانی در لیگ، بلکه جایگاه پرسپولیس در لیگ نخبگان آسیا نیز به خطر خواهد افتاد. شاید وقت آن رسیده که پرسپولیس به‌جای آزمون و خطا، یک تصمیم قاطع و درست بگیرد، چرا که ادامه این مسیر، تنها یک مقصد دارد. سقوط آزاد!

آگاهی و بهره‌مندی کافی از دانش داوری و آمادگی‌های مربوط انجام نشود، با «وار» و بی «وار» داوری ما چندان تفاوت چشمگیری نمی‌کند. روزگاری فوتبال ما برای قضاوت دیدار مهمی چون هزمان چندین کاندیدای مجرب نظیر مرحوم محمد صالحی، برادران خوش‌خوآن، هادی درفولی، منوچهر نظری و مهدی ابرنیزویی را داشت. اما اینک برای انتخاب داور چنین دیداری ۲۴ ساعت قبل از بازی، مشغول سبک و جامگانه کردن گزینه‌ها هستیم!

اگر داوران ما با استفاده از کمک‌داور ویدئویی هم در تشخیص نتوانند، باید ابتدا علت را در اشکالات مطرح‌شده جست‌وجو کرد.

شده؛ افرادی که به دفعات در این بازی از سوی وی دیدیم! حال آنکه بلاکوی کنار گذاشته شده با توجه به فوندگی، تلاش در پرس دفاع حریف و توانایی در ایجاد موج بعدی حمله، بهتر از وی می‌توانست به استقلال کمک کند. اصلا سوالی جدی در برابر جذب جمعه و اصرار بر حضور فیکسش در بازی وجود دارد که جوابی متفن برایش نمی‌یابیم!

مجموع این رخدادها ثمره‌اش پیروزی شیرین شاگردان رحمتی در تهران و شکست استقلال شد که موسی‌مانه هم به درستی اشاره کرد که تیمش تا فردا نیز نمی‌توانست گل

بزند، در صورتی که خودش قبل بازی از نبود بهانه برای نبردن حریف گفته بود! استقلال، شمس‌آذر را موقتاً از بحران دورنیستی کرد و اوضاع خودش بدتر از قبل شد، حال آنکه توقعات از موسی‌مانه پس از ۹۰ روز حضور در ایران، متفاوت‌تر از این بود.

آیا واقعاً حجتیه هنوز یک خطر زنده در جامعه دینی محسوب می‌شود؟

زندگی روزمره واقعاً اثر مثبت می‌پذیرند، چرا که اساسا درک آنها از حکومت، تسهیل زندگی اقتصادی روزمره است و هنوز به لایه‌های پیچیده حکومت‌داری و دولت‌داری التفاظ ندارند. بخش بزرگی از مشکلات با ایسن گروه، کوچکی ایده و فکر است، نه بزرگی دشمنی آنها!

۲- یکی از ابزارهای سیاسی جریان روشنفکر دینی برای حذف رقیب اصلی (یعنی گروه اول و طرفدار نگاه فقهانی و الهیاتی عمیق به حکومت و جامعه) اصرار ایشان بر حجتیه بودن فقیهان حوزه علمیه و مباح‌محور بودن شبکه انسانی شکل گرفته بر محور هیات - زیارت - مواسات و انگ‌هایی از این دست است که در این سال‌های این حرف‌ها را زیاد شنیده‌ایم. اگر به تاریخ ۲۵ ساله انقلاب نگاه کنید، علما و فعالن انقلابی زیادی به وسیله همین برجسب حجتیه، توسط این گروه فقری حذف شده‌اند! لذا یکی از ماموریت‌های امروز ما این است که کمک کنیم این روایت غلط و مشهور شده، در میان مذهبی‌ها و انقلابی‌ها و طلیه‌ها اصلاح شود، بلکه بدانیم بزرگ‌ترین دشمن انقلاب اسلامی که ظرفیت منحرف کردن انقلاب از مسیر بزرگ و مهم آن را دارند، سکولارهای مسلمان هستند، نه مذهبی‌های سنتی! ما باید این حربه پوپولیستی را از این گروه خودبترتربین و بی‌تقوای سیاسی بگیریم و به آنها نشان بدهیم ما می‌دانیم از فضا مشکل اسلام، قرانت‌مدرنیستی و منکر ولایتی آنها از شیعه است و نیش قبر گروه‌های مومن اما با ایده‌های کوچک و ضعیف مثل حجتیه و اشیاء آن، برای پندبازی روی طناب قدرت دیگر فایده‌ای ندارد!